

بسم نام خدا

کاربرد زبان در تربیت

یادگیری و رشد زبان در کودکان

دوره دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

بر درس تمهیدات تربیتی

برگرفته از:

زبان و تفکر دکتر محمد رفیع باطنی

نمونه شماره ۵:

فاسم بهاری

یادگیری و رشد زبان در کودک

مطالعات زبان شناسی را از نظر زمان به دو دسته می توان تقسیم کرد:
 هم زمانی و در زمانی. در زبان شناسی «هم زمانی» به تحول زبان در طول زمان
 توجهی نمی شود بلکه زبان در یک زمان معین اعم از گذشته یا حال، مورد مطالعه
 قرار می گیرد. برعکس در زبان شناسی در زمانی، زمان ثابت نیست، در این روش
 از زبان شناسی بیشتر به تحول و تغییرات زبان در طول زمان توجه می شود. زبان شناسی
 در زمانی را می توان به دو شاخه ی کوچک تر تقسیم کرد: زبان شناسی فردی و
 زبان شناسی تاریخی.

در زبان شناسی فردی یادگیری و رشد زبان در فرد از هنگام تولد تا هنگام
 مرگ مورد بحث است، ولی در زبان شناسی تاریخی، تحول و تغییرات زبان در طول
 حیات نسل های پی در پی مورد مطالعه قرار می گیرد. بنا بر این بررسی یادگیری و
 رشد زبان در کودک به شاخه ی زبان شناسی فردی از زبان شناسی در زمانی
 وابسته است و می توان آن را به پنج مرحله تقسیم کرد.

مرحله اول: کودک در هنگام تولد برای آموختن زبان استعداد های دارد
 که از طریق توارث به او منتقل شده است ولی در این وقت، با العقل و فطرت

می‌داند و نه می‌تواند از طریق هیچ دستگاه ارتباطی قرار داری، با اطرافیان خود
ارتباط برقرار کند. او در آغاز فقط می‌تواند در مقابل محرک‌های طبیعی مثل
گرگرس، درد و مانند آن واکنش کند. واکنش‌های او در این مرحله بسیار ابتدایی
مانند حرکت دادن دست یا پا، و تاب دادن به بدن و غیره. هر قدر ساق‌ها و عقبی
کودک کامل‌تر شود، به تدریج واکنش‌های او تعلیف می‌شود و به همان نسبت تدریجاً
پیچیده و اجتماعی‌تر می‌شود.

مرحله دوم: در این مرحله بین کودک مادر یا پرستار از طریق علائمی که
تا حدی بنیاد قرار داری دارند ارتباط برقرار می‌شود. این علائم هانشن‌های اصلی
می‌شوند و همان پاسخ‌های را برمی‌انگیزند، البته این علائم غیر زبانی هستند. مثلاً در مرحله
اول کودک در مقابل هر نوع محرکی که او را برانگیزد گریه می‌کند، ولی در این مرحله
یاد می‌گیرد که در مقابل محرک‌های مختلف متفاوت گریه کند،
ممکن است کودک به عنوان یک علامت قرار داری یاد بگیرد که هر وقت مادر
هنگام امتحان ضرب‌مزمیزی روی شانه‌ی او زده، او به آن طرف بچرخد، یا هر وقت
او را در گهواره گذاشت بخوابد و مانند آن.

علائق ارتباطی، همه غیر زبانی هستند و با زبان تفاوت کمی زیادی دارند از جمله:

۱- در این مرحله هنوز بین محرک یا پاسخ رابطه‌ی طبیعی برقرار است در حالی که وقتی زبان

آموخته شد رابطه‌ی طبیعی بین محرک یا پاسخ به کلی می‌گردد. در مرحله اول کودک

مقابل اکثر محرک‌ها یک نوع گریه می‌کند، در مرحله دوم در مقابل محرک‌های مختلف

متفاوت گریه می‌کند ولی رابطه‌ی طبیعی بین درد و گریه یا گرسنگی و گریه هنوز برقرار است.

حالی که وقتی کودک بزرگ سال زبان را به کار می‌برد و می‌گوید «من گرسنه‌ام»

بین گرسنگی به عنوان محرک این جمله به عنوان پاسخ هیچ رابطه‌ی طبیعی وجود ندارد.

کودکی که زبان آموخته به جای گرسنگی که با گرسنگی پیوند طبیعی دارد جمله‌ی «من

گرسنه‌ام» را به کار می‌برد که رابطه‌ی آن با گرسنگی صد درصد برقرار است.

۲- در این مرحله ممکن است بین محرک و پاسخ تشابه ظاهری وجود داشته باشد.

مثلاً وقتی مادر روی تشانه‌ی کودک را می‌زند و کودک به بی‌طرف می‌گردد، بین

ضربه مادر و گشتن کودک تشابه فیزیکی وجود دارد، در حالی که بین جمله «مادر بگردد» و

گشتن کودک هیچ تشابه‌ی وجود ندارد.

۳- در این مرحله رابطه‌ی محرک یا پاسخ از زمان و مکان گنجه‌آلود است. کودک «صدای

می‌تواند از گرسنگی فریاد بکشد یا گریه کند که واقعاً گرسنه باشد، در حالی که کودک

زبان آموخته می تواند وقتی هم الفبزه رگشی موجود نیست بگوید «من گرسنه ام»

۴- تفاهم مادر و کودک در این مرحله بر بنیاد علائم تکلیفی نیست. وقتی زبان

آموخته شده باشد، مادر و کودک برای ارتباط با یکدیگر از علائم تکلیفی استفاده می کنند

مثلاً وقتی گرسنه باشند هر دو می گویند: «من گرسنه ام» ولی در این مرحله می توانند

استفاده از علائم تکلیفی است. مثلاً اگر مادر به نحو خاصی روی شانه کودک بزند،

کودک می گردد و اگر کودک چنین کاری بکند مادر حرکت مشابهی انجام نمی دهد

مرحله سوم آشنایی زبانی:

این مرحله را می توان به دو جنبه تقسیم کرد: الف: کودک چگونه با علائم زبانی
آشنایی شود و چگونه این علائم برای او معنی پیدا می کنند و ب: کودک چگونه یاد می گیرد

که خود، این علائم را به کار برد. جنبه اول را جنبه پذیرا و جنبه دوم را جنبه فعال

می گویند. البته این دو جنبه را نمی توان از یکدیگر کاملاً مجزا کرد ولی توجه به این

دوگانگی می تواند برای مطالعاتی با گریه زبان در کودک مفید واقع شود. باید توجه

داشت که جنبه پذیرای زبان همیشه بر جنبه فعال آن پیشی می گیرد و مادر

اطرافیان هنگام تماس با کودک، با او حرف می زنند. البته در آغاز، کودک

معنی اصوات یا لغته نمی آید و آن را نمی فهمد ولی پدر و مادر و اطرافیان

بر این امر توجه نمی کنند که آیا کودک معنی گفته جای آنان را می فهمد یا نه، بلکه آنان همچنان
به صحبت کردن با او ادامه می دهند. جایی خوش وقتی است که اطرافیان بزرگسال کودک
در این مورد واقع بین نشان نمی دهند زیرا اگر واقع بین بودند و می دانستند که کودک
از گفته جای آنان چیزی نمی داند صحبت کردن با او را متوقف می کردند و بدین ترتیب
کودک هیچ گاه زبان نمی آموخت.

کودک همواره اصوات زبانی بزرگان را همراه با استیاء و مایع و بی خودی و از
جهان بیرون ادراک می کند. هر چه استند عصبی کودک عامل تر شود، این اصوات
روی دستگاه عصبی او تأثیر بیشتری می گذارند و رفته رفته بین پدیده جای جهان بیرون
و اصوات زبانی بزرگان در ذهن او پیوندی برقرار می شود و هر چه تجارت
گسترده تر و تاس او با زبان بهتر باشد، این پیوند جای رسته دارتری شوند. این کار
تا بدایا گسترش می یابد که رفته رفته ارتباط محرک و پاسخ جای طبعی گسخته می شود و
اصوات زبان از طریق این پیوند جای ثانوی قدرت انگیزندگی محرک جای طبعی
به خود منتقل می کنند و کم و بیش معانی پاسخ جای برمی انگیزند.

مثلاً هر وقت کودک از روی گرسنگی گریه می کند، ممکن است مادرش او را
و گویند «و گرسنه ای، شیر می خواهی...» و بطوری شیر را به دهان او بگذارد. بچهدار

و جمله اول معنی این حداد را نمی فهمد ولی چون ارتباط بین گرسنگی، بطری سحر و حلامی که مادر می گوید مکرر اتفاق می افتد، رفته رفته بین گرسنگی به عنوان محرک طبیعی و کلمات «گرسنگی» و «گرسنگی» از یک طرف و بین شیر به عنوان یک ماده مغذی وارضاشده و جمله شیر، از طرف دیگر رابطه برقرار می شود و بدین ترتیب همان معنی پیدا می کنند و جنبه ی پذیرایی زبان در کودک رشد می نماید.

جنبه فعال زبان آموزی بر اساس تقلید قرار دارد. نیروی تقلید در سن به عنوان عامل بسیار مهمی در یادگیری زبان و یادگیری جای دیگر ظاهر می شود. هنوز به این سؤال پاسخ قطعی نمی توان داد که چرا کودک تقلید می کند و آیا تقلید بنیاد غریزی دارد یا نه، ولی آنچه مسلم است کودک در این سن تقلید می کند و تقلید عامل بسیار مهمی در یادگیری جنبه ی فعال زبان است. کودک، اجداد اطرافیان را تقلید می کند بدون این که مقصودی داشته باشد و بدون این که به خوبی از عهده برآید. دلیلی بر او مادر با خوش بین تمام صدا می گوید را تقلید می کند و در مقابل آن واکنش می گوید. واکنش مثبت اطرافیان باعث می شود که پیوند بین علائم زبانی و پدیده ای که به آن دلالت می کنند تقویت شود.

در نتیجه کودک به تدریج یاد می گیرد که هر وقت چیزی خواست به جای این که گریه کند یا خودش را حرکت دهد، همان اصوات بزرگسالان را از خود در آورد.

مرحله چهارم: قریبه سازی

در مراحل اولیه صدا گذاری که کودک به عنوان علائم زبانی به کار می برد از جمله به معنی فن آن ساخته نشده اند، زیرا جمله واحدی است که می تواند در مراحل واحد جایی بالاتر در جمله ترکیب شود، ولی علائم زبانی که کودک در مراحل اولیه به کار می برد واحد جایی تجربه نیابند بر می میسند که هر کدام به عنوان یک جمله به کار می روند. کودک در قریبه سازی شبیه کلمات زبان به کار می برد ولی از آن کلمات گسترده تری مراد می کند. مثلاً ممکن است بگوید «مامان» ولی معصودی که از این جمله مراد می کند معنی جمله ای کامل «مامان آمد» یا نظایر آن باشد. به تدریج کودک می آموزد که عبارت جایی بزرگ تری به کار برد ولی این عبارت جایی نیز قابل تجربه نیستند زیرا کودک آن جایی را قابل یاد گرفته و در قریبه سازی به کار می برد. مثلاً ممکن است کودک بگوید «بابا رفت» ولی این جمله که برای بزرگسالان «اقل از روزگار» شش شده است برای کودک تجربه پذیر نیست و تمام این مراحل جمله نامیده می یک مفهوم واحد است.

کم کم کودک شروع به تجزیه و ترکیب موارد اولیه ای می کند که قبلاً آموخته است
 و بر اساس الگوهای که یاد گرفته ترکیبات تازه به وجود می آورد. این پدیده
 قرینه سازی نام دارد و ظهور آن هفت تا دوازده ماهگی را در زبان آموزی کودک آغاز می
 کند. با قطعیت نمی توان گفت که کودک اولین قرینه سازی خود را چه وقت آغاز می
 کند و یا این که چگونه این کار را انجام می دهد و بی از روی قرینه سازی نمی گذرد.
 معداق ندارند می توان گفت که کودک از روی الگوی قرینه ای به این کار
 دست زده است.

شنیده شده است که کودک به معنای گفته است «تو شتوایی». آنچه
 مسلم است کودک این کلمه را از هیچ کس شنیده است که آن را تقلید کند، بلکه
 آن را از خود ساخته است. در حقیقت کودک کلمه «تو شتوایی» را از روی الگوی
 «تا شتوایی» ساخته است. کودک دیگری می گفت «سو خدیم» به جای سو ختم.
 و «مامان غذا می پزد» به جای مامان غذای می پزد. به این گونه کودک
 رفته رفته الگوهای دستوری زبان خود را استخراج می کند و از روی آن جملات
 که مرکز شنیده می سازد و به کار می برد، البته کودک در این کار دچار اشتباهات
 زیادی می شود که بعضی از آن ج به وسیله اطرافیان اصلاح می شود.

مرحله پنجم: کودک زبان آموخته

می توان گفت که یک کودک طبیعی در سن بین چهار تا شش سالگی به زبان مادری خود تقریباً مجهز شده است. در این سن کودک به دستگاه صوتی زبان خود مسلط شده است و آلودگی دستوری آن را به راحتی به کار می برد. به عبارت دیگر کودک به هسته ی مرکزی زبان خود مسلط شده است. البته هیچ وقت نمی توان گفت که یادگیری زبان توقف می گردد، ولی آنچه مسلم است هر چه سن کودک زیاد شود، میزان زبان آموزی در او کاهش می یابد. از آنجایی که ما دستگاه دستوری و دستگاه صوتی زبان خود را در خودمانی یاد می گیریم، تغییرات یادگیری در این دو جنبه ی زبان در بزرگسالی بسیار کندتر است. ولی آن جنبه ی زبان که یادگیری آن شاید هرگز متوقف نشود و تا روز مرگ ادامه یابد، یادگیری واژگان زبان است. زیرا ما هر روز با چیزی تازه آشنا می شویم و ناچاریم برای آن واژه جزیء تازه بگیریم.

خلاصه این که هر روز در جامعه پدیده های تازه ای ظاهر می شوند که در زندگی روزمره ما تأثیر می گذارد و ما برای ندران معنی خود باید نام آن را بیاموزیم و در تارهای آن صحبت کنیم. اگر چه سهم پدر و مادر و پیران در آموختن زبان به کودک

بسیار مهم است و اگر چه مهم مدرسه در تلفظ و پرورش زبان قابل توجه است
 با وجود این کودک قیمت اعظم زبان خود را از کودکان محصل خود یاد می گیرد.
 آن قدر که مادر کودک به گفته ی هم بازی جای خود اهمیت می دهیم به گفته ی
 پدر و مادر خود اهمیت نمی دهیم؛ آن قدر که مادر مدرسه از هم شاگردان
 خود زبان می آموزیم از معلم خود زبان یاد نمی گیریم. به این دلیل
 هرگز تا ده سال در حقیقت عمده دار انتقال میراث زبان جامعه از زبان
 به مفهوم محلی و ابزاری آن، به نسل جای هم سال بعدی است و این
 بهر سستی همچنان ادامه دارد.

دانشوران گرامی: کتاب - جزو زیر برابر با بر فصل دروس شما

مستقیم کنید و خوب بخوانید

منبع اصلی: الف: کاربرد زبان در تربیت، امیرالهدایمی، دانشگاه تهران

منبع فرعی: ب: زبان و تفکر، محمد رضا باطنی، نشر آگه

می توانید بر بخش ج دانشگاه خود را از طریق نفایس می زی
 مطلع نمایید

به توجه به رسیدن این نسخه ضعیف توجه فرمایید و حق المقدور از خانه
 بیرون نیاید

آرزو مند سلامت و تندرستی شما و خانواده محترم